

گروههای مشاوره رئیس جمهور و واقعیات اقتصادی - اجتماعی

نوشته امیرحسن فرزانه

کرده است که از این قبیلند: منطقه آزاد تجاری آمریکای شمالی- منطقه همکاریهای ممالک آسیای جنوب شرقی و حوزه ماوراء منطقه‌ای دو سوی اوقیانوس کبیر و منطقه همکاریهای آمریکای لاتین و منطقه‌های غیررسمی نفوذ مالی و سرمایه‌گذاری در حوزه ممالک جدا شده از اتحاد جماهیر شوروی سابق.

این پیوندها بدلیل آنکه کشورهای عضو مناطق از ثبات اجتماعی برخوردار نیستند به حمایت‌های نظامی نیاز پیدا کرده است. این حمایت‌ها را عمدتاً دو قوه عظیم نظامی پیمان اتلانتیک شمالی و حضور مداوم و فزاینده نظامی آمریکا در مناطق آسیب‌پذیر بر عهده گرفته‌اند. حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس و در منطقه شرق و جنوب شرقی آسیا از جمله این حمایت‌های نظامی محسوب می‌شود. مسافرت طولانی وزیر دفاع آمریکا به کشورهای بحران‌زده شرق آسیا به منظور اطمینان دادن به دولت‌های منطقه از پشتیبانی نظامی- اقتصادی آمریکا صورت پذیرفت. اما با تمام این مقدمات وسیع و ملاحظات امنیتی بکار رفته چنانکه ملاحظه می‌فرمائید سیاست جهانی کردن اقتصاد درست در همان منطقه‌ای که تصور می‌کردند بکامیابی عظیم نایل شده، یعنی در منطقه شرق آسیا، با شکست مصیبت‌باری مواجه گردید و مفتضح از آب درآمد. کافی است بدانیم که بموجب اخبار منتشر شده در آمریکا فقط سرمایه‌گذاران آمریکائی حدود سی میلیارد دلار متضرر شده‌اند، از ضرر و زیانهای سایر ممالک سرمایه‌گذار هنوز

را «دیوانه‌وار» بسوی جهانی کردن پیش برده است. بانی و محرک این اقتصاد همان کاپیتالیسم جهانی است، بنابراین باید پذیرفت کمتر کشوری است که از حیثه نفوذ این اقتصاد جهانی برکنار مانده باشد. انباشت عظیم سرمایه در ممالک صنعتی از یکسو و نیاز و بلا تکلیفی ممالک فقیر به سرمایه‌گذاری از سوی دیگر مسابقه‌ای را بین



ممالک صادرکننده سرمایه و ممالک پذیرنده سرمایه بوجود آورده است. کاپیتالیسم برای حصول اطمینان ازین حرکت جهانی سرمایه انواع سازمانها از ملل متحد و صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی را بخدمت خود گرفته است و از باب استحکام بیشتر موقع خود، انواع همکاری‌های اقتصادی و تجاری در مقیاس‌های منطقه‌ای و ماوراء منطقه‌ای سر هم

رئیس جمهور به سائقه ذوق مستقیم و طبع سلیم خود هشت گروه مشورتی را بعنوان حلقه‌های ارتباطی میان صاحب‌نظران و بخش‌های دولتی برگزیده‌اند. ایشان در نخستین جلسه مشاوران خود گفتند «مشاوران می‌توانند بسعنوان پشتوانه فکری و برنامه‌ریزی مجریان باشند تا تصمیم‌گیرندگان بتوانند واقع‌بینانه‌تر عمل نمایند و اضافه کردند گروههای مشورتی باید از نظر همه صاحب‌نظران استفاده نمایند (روزنامه سلام ۲۴ دیماه ۱۳۷۶). گروههای مشورتی هر یک بخشی از امور را در حیثه وظایف خود دارند و این بخش‌ها عبارتند از «روابط جمعی- فرهنگی- روحانیان- جوانان- اهل سنت- اقتصادی- اجتماعی و اطلاع‌رسانی» (ایران‌نیوز مورخ ۳۰ دیماه) اینک از برای روشن‌تر کردن مطالب چند نکته مهم را جهت استحضار ایشان و گروههای منتخب یادآور می‌شوم، باشد که نیت خیر رئیس‌جمهور هر چه بهتر برآورده شود و قرین کامیابی گردد.

جناب آقای رئیس‌جمهور! خوبست نخست نظری کلی بوضع فعلی ممالک دنیا بیندازیم بعد در باب سیاست‌ها و برنامه‌ها و بقول جنابعالی «راهکارهای» جامعه خودمان تصمیم بگیریم. پیشرفت سریع علم و تکنولوژی و تشدید رقابت که متضمن تسخیر بازارهای جدید و کاستن از هزینه تولید و افزودن بر مبلغ سود است اقتصاد

SONY همیشه بهترین

SONY همیشه بهترین

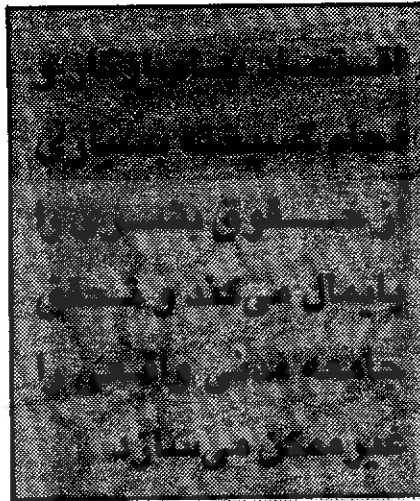
کیش، بازار بین المللی پردیس، غرفه ۴۲. تلفن: ۳۴۳۱ فاکس: ۳۴۳۱

خبری انتشار نیافته است. برای اعاده اوضاع بتوصیه فوری غرب صندوق بین‌المللی پول سریعاً دست بکار شده و مقدماً حدود ۱۰۰ میلیارد دلار کمک مالی به ممالک بحران زده را تعهد کرده است. اما امروز مطبوعات غرب و همان پشتیبانان اقتصاد سرمایه‌داری نیز بلزوم و فایده این دستگاه‌های کمکی غرب نظیر صندوق بین‌المللی پول بنظر شک و تردید می‌نگرند. روزنامه لوس‌انجلس تایمز ضمن مقاله شماره چهارم ژانویه سال جاری نوشت «با بالا گرفتن کمک‌های مالی به کشورهای بحران‌زده آسیایی که سر بفلک کشیده نام صندوق بین‌المللی پول چون شیخ پس مانده دوره جنگ دوم جهانی که فعلاً توسط یک نفر بانکدار معمولی فرانسوی اداره می‌شود موضوع بحث سرمقاله روزنامه‌ها شده است... این صندوق که امروز علت وجودیش را از دست داده در ۱۹۴۴ تأسیس یافت. از بیم آنکه مبادا تجدید بحران و تورم مفرط سالهای دهه ۳۰ محرک جنگ دیگری شود ممالک غربی در برتون وودز Bretton Woods آمریکا گرد هم آمدند و پایه نظام ثبات پولی و نرخ‌های مبادله ارزها را ریختند. صندوق بین‌المللی پول جهت کنترل این ثبات بوجود آمد... در سال ۱۳۷۳ ارزها را شناور کردند و سیستم برتن وودز را بر هم زدند و بوظایفش خاتمه دادند و به تبع آن صندوق هم بایستی منحل شده باشد. اما تکان و ضربه بحران نفت و بحران بدهی‌ها سبب شد این صندوق را پا برجای نگهدارند. بقول روزنامه از ۸۹ کشوری که طی سالهای ۱۹۹۵ - ۱۹۶۵ از صندوق وام گرفتند ۴۸ کشور از مجموع کشورها وضعشان بهتر نشد و ۳۲ کشور فقیرتر از گذشته شدند. روزنامه ادامه می‌دهد که برغم ادعائی که صندوق در برنامه‌ریزی و نظارت جامع بر برنامه‌ها دارد از پیش‌بینی بروز بحران در ممالک آسیای شرقی بکلی غافل و عاجز مانده بود. حال با توجه به مطالب منقول از روزنامه مذکور بهتر و آسانتر بر ما معلوم می‌شود که بقای صندوق صرفاً با برآورده شدن نیازهای ممالک بزرگ صنعتی باز بسته بوده است و بس. برای تأکید مطلب خوبست بدانیم که امروز که این صندوق در قبال تشدید تناقضات اقتصاد سرمایه‌داری از پا افتاده و توقعات کاپیتالیسم جهانی را برآورده نمی‌سازد بسیاری از مقامات منتقد مالی و سیاسی آمریکا انحلال

صندوق را توصیه می‌نمایند. اگر فردا دستگاه دیگری را علم کردند باز ممالک دنیا را به سینه زدن زیر علم این دستگاه فرا می‌خوانند و یک صفت بین‌المللی هم بدان ارزانی می‌دارند.

نباید به انتظار بنشینیم!

جناب آقای رئیس‌جمهور! بر خلاف استدلالات اکثر محافل غربی و حامیان اقتصاد سرمایه‌داری و اقتصاددانانی که درین مدرسه درس خوانده‌اند بروز بحران در ممالک شرق آسیا که بود باش سرمایه‌های خارجی است اصولاً از همان علل سرچشمه می‌گیرد که موجب رکودهای



ادواری و ورشکستگی سالانه دهها هزار شرکت در ممالک صنعتی می‌گردد. البته ممالک صنعتی بدلیل برخورداری از پتانسیل عظیم مالی و در دست داشتن انواع مکانیزم‌های قدرتمند بین‌المللی در قبال رکودهای ادواری از پا نمی‌افتند. ضربه شدید Crash مالی که در سال ۱۹۸۷ به اقتصاد آمریکا وارد آمد تا جائیکه تحلیل‌گران آمریکایی را بیاد بحران دامنه‌دار دهه ۳۰ قرن حاضر انداخت مصداق همین مطلب است. با این حال باید متوجه بود که شکست سیاست جریان سرمایه‌گذاری‌های خارجی در شرق آسیا دولت‌های ممالک صنعتی و مؤسسات عظیم ماوراء ملیتی را به تأمل و تجدید نظر در سیاست جهانی کردن اقتصاد برانگیخته است. نباید منتظر نشست تا آن‌ها دلایلی بتراشند و سیاست‌های جاری را «دستکاری» کنند و ما هم بر آنها مهر تأیید بزنیم. وظیفه‌های اعلائی ماست که خود بشیوه متدولوژیک به بررسی علل مسایل بیردازیم و نتایج منطقی برای پیشرفت

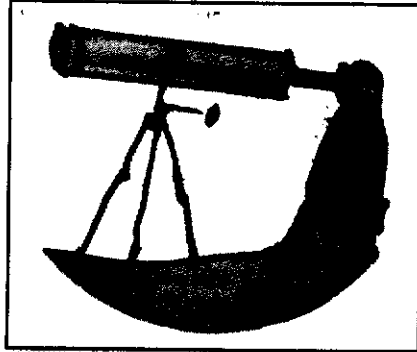
جامعه خود بگیریم. طرفه آنست که علی‌رغم این مشکلات جهانی ما بعنوان عضوی از سیستم کلان دنیایی نمی‌توانیم خود را از دنیا و مافیها جدا سازیم و به شعار دادن بسنده کنیم. یکی از مشکلات اساسی ما درین خصوص سردرگمی ما در سیاست خارجی است که اساسش بر همان شعارها و خود بزرگ‌بینی‌ها قرار گرفته است. چه خوب بود رئیس‌جمهور محترم یک گروه مشاوره روابط خارجی هم تشکیل می‌داد تا باب بحث و گفتگو گشاده‌تر می‌شد. توجه کنیم و واقع‌بین باشیم، امروز چین و ژاپن هر یک بدلیل اختلافات خاصی که با آمریکا دارند بیش از پیش باب مذاکرات سیاسی و اقتصادی را با این کشور می‌گشایند و جالب اینکه هر دو کشور در مبادلات با آمریکا از مازاد عظیم تجاری برخوردارند اما آنچه ما می‌کنیم آنست که بر مبنای همان شعارها و تظاهرات مبر رونند پیشرفت اقتصاد خود لطمه می‌زنیم و بر سر شاخ بن می‌بریم و ازین جهت در دنیا نمونه شده‌ایم. در خانه اگر کس است یک حرف بس است!! در چنان اوضاع و احوالی باید قبول کنیم که برنامه و برنامه‌ریزی ما هم از کیفیات متدولوژیک بسی دور مانده و ضمن پیروی از مفاهیم و اسلوب‌های اقتصاد غربی همیشه تابع نظریات و اعتقادات حاکمیت بوده است. بهمین دلیل حتی آنچه را هم که بنام سیاست‌های اصولی برنامه‌ها نوشتند و اعلام کردند هیچگاه جامه عمل نپوشید و نابسامانی بر نابسامانی افزوده شد. کار بجایی رسید که حتی سازمان برنامه اعلام کرد که بدلیل بی‌کفایتی دستگاه‌های اجرایی و ناکافی بودن اعتبارات و طولانی شدن زمان اجرا حتی توجیه اقتصادی و فنی طرحها نیز از میان رفته است. بیهوده نیست که برغم مبالغ هنگفتی که در هر دوره برنامه‌های خرج شده است اولاً هیچگونه تعادل و توازن و ارتباطات متدولوژیکی بین بخش‌های ساختاری جامعه اعم از اقتصادی و غیراقتصادی و در خود هر بخش بوجود نیامد و «حساب و کتابی» پس داده نشد و ثانیاً عمداً یا سهواً معلوم نکردند در قبال سرمایه‌گذارها، بهره‌دهی اجتماعی بعنوان مهمترین ضابطه توفیق یا شکست برنامه به چه میزان و اندازه بوده و رشد فیزیکی مملکت به چه قیمتی تمام شده است. رشد و پیشرفت بدون ترقی متناسب بهره‌دهی اجتماعی یک گام به پیش و دو گام به عقب است. بنده در مقالات پیشین خود درین مجله مکرراً یادآور شده‌ام که

بدون شناخت علمی ساختار جامعه نه درست می‌توان برنامه‌های تدوین کرد و نه درست حکومت راند و قانون وضع کرد و نه مملکت را آباد و مردم را مرفه ساخت. برنامه را باید برای جامعه و براساس ساختار و سازمان جامعه طراحی کرد و نه برای کشور.

اگر برنامه مقتضی جامعه باشد قطعاً مقتضی کشور هم خواهد بود و اگر برنامه بنظر حاکمیت مقتضی کشور باشد لزوماً مقتضی جامعه نتواند بود. قوانین خلاف‌ناپذیر جامعه که باید اساس مملکت‌داری و برنامه‌ریزی قرار گیرد دارای خصوصیات عینی و واقعی و مبتنی بر شناخت علمی است اما قوانین و سیاست‌های «دولتی-کشوری» تابع سلايق و علايق فردی و گروهی و مبتنی بر ایده‌تولوزی است قوانین رشد و پیشرفت سرمایه‌داری که انواع کتابها درباره‌اش نوشته‌اند و نظریه‌ها جعل کرده‌اند و بان صورت علمی داده‌اند و در مدارس و دانشگاهها تعلیمش می‌دهند از همین منافع و سلايق کاپیتالیسم نشأت گرفته و دنیائی شده است. می‌گویند منافع فردی است که منافع کلی را در برمی‌گیرد Social otomism. در همین جا عرض می‌کنم که نظریه مخالف آنهم که مدعی است که منافع فردی بطور کامل و نامشروط تابع منافع جامعه (دولت) است Social universalism نیز یکسره نادرست و غیرعلمی است. ایده‌تولوزی کمونیسم و سوسیالیسم بدرجاتی بر پایه همین اصل استوار است کل و جزء تفکیک‌ناپذیرند و هر یک بدون دیگری نه کل است و نه جزء. از باب تأکید و تصریح مطلب عرض می‌کنم جامعه برغم اختلافات و تفاوتهایی که با ارگانیسم دارد کلی ارگانیک است که همچون ارگانیسم از اجزاء ساختاری (آناتومیک) و سازمانی (فیزیولوژیک) ساخته شده است (تفاوت بین اشکال ارگانیسم‌ها و سیستم‌ها به تفاوت بین اجزاء ساختاری آنها باز بسته است) همانگونه که ارگانیسم را باید براساس طبیعت دو وجهیش شناخت و اگر دردی عارض شد موافق با همان طبیعتش بدرمانش پرداخت جامعه را هم بهمانگونه باید شناخت و مسائلش را بصورت علمی حل کرد.

ما باید مدلی ترکیبی و متدولوژیک از برای جامعه خودمان بسازیم و برنامه پیشرفت را براساس این مدل پی‌ریزی کنیم. بدیهی است انجام چنان رسالت تاریخی و عظیمی مستلزم تجدید ساختار و سازمان جامعه خواهد بود و هم در جریان چنان تحولی است که مشاوران

رئیس‌جمهور با عنایت بدقاییق و ظرایف این رسالت باید مدد کار دولت گردند بدون توجه به این مقدمات انجام وظیفه گروهها با سردرگمی مواجه خواهد شد.
جناب آقای رئیس‌جمهور! اگر گفته‌ها و



مکررات گذشته و رابج را درباره اخلاق لحظه‌ای از بستر ذهن بزداییم بسهولت در می‌یابیم که جامعه‌ای که اجزایش و ارتباطاتش متوازن و جامع و سازگار شود و باین توفیق تاریخی نایل گردد همان جامعه «اخلاق» است زیرا ضداخلاق از

انواع ناسازگاریها سرچشمه می‌گیرد. قوانین غلاظ و شدادی که تمایلات عمومی و منافع عامه را مدنظر ندارد و بی‌اطلاع ماندن مردم از تصمیم‌گیریهای قوه مقننه و بی‌توجهی به اینکه قانون معرف و مظهر اراده عمومی بوده و نمایندگان مجلس قبل از وضع هر قانون باید مفاد آن را در معرض افکار عمومی قرار داده و از آراء مردم و خصوصاً موکلین خود اطلاع حاصل نمایند و سپس بوضع قانون بپردازند (نماینده مجلس شورای اسلامی نباید خود را فقط در هنگام انتخابات مستظهر بآراء مردم بدانند او در تمام دوره نمایندگی باید این استظهار و پشت گرمی ب مردم را تمام و کمال حفظ نماید) سیاست و

برنامه‌های غلط آموزشی که بدرد حال و آینده درس آموختگان نمی‌خورد. تقسیم غیر منطقی و ناعادلانه کار و بی‌ربغبت ساختن بخش خصوصی در سرمایه‌داری و تصدی بیش از اندازه دولت در امور اجرائی. عدم ارتباط بین تولید و تقاضا. سیاست‌های مصیبت‌بار جمعیتی که کشور را با «انفجار» جمعیتی مواجه کرده است. سیاست یکسان‌سازی انسانها. برنامه‌های دل‌آزار تلویزیونی و برخوردهای زننده و بدور از شؤون انسانی که ریشه در حاکمیت دارد و انواع خودسریهای فتنه‌انگیز و امثال آنها که همگی نشانه‌های آشکار از ناسازگاری درونی جامعه دارد موجب بروز مقاومت‌ها و اصطکاک‌ها و سرخوردگی‌ها می‌گردد و تخم ضداخلاق را در سراسر جامعه می‌فشانند و بارور می‌سازد و پیشرفت را از مسیر علمیش منحرف می‌کند. اخلاق بر خلاف تصور و تصدیق سه هزار ساله فضلا و فلاسفه و مشاهیر ادبا مفهومی ذهنی و وجدانی و فطری و ماقبل تجربه Apriori و سودجویانه Utilitarianism نیست (درینجا خصال ارثی محل بحث ما نیست) بلکه مفهومی است ناظر بر

کانال فرطومی

کیان فن

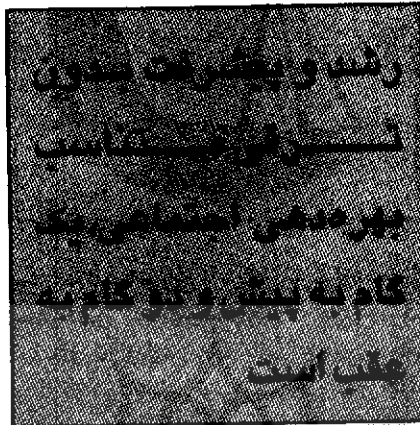
پدیده‌ای جدید در سیستم افعال هوا
در ساختمان و صنایع از جنس
P.V.C و پلی اتیلن و برنجی

نصب سریع و آسان
سبک و با دوام
مقاوم در برابر رطوبت و حرارت و اسید
در قطرهای ۵ الی ۱۰۰ سانتیمتر

تلفن: ۸۸۲۷۷۶۴ فاکس: ۸۸۴۳۲۲۲

سازگاری ساختاری و سازمانی جامعه هیچکس از زهدان مادرش خلافاکار و بزهدکار و قاچاقچی و نادرست و دروغگو زاده نمی‌شود. این جامعه ناسازگار است که خلافاکار و بزهدکار و دروغگو می‌پروراند. قصد بنده ازین تفصیل این بود که دولت و طراحان برنامه و قانونگذاران و طراحان سیاست‌ها با رعایت آلاهم فالاهم و توجه بدقایق قوانین خلافاپذیر جامعه از همین حالا دست بکار شوند و مشاوران رئیس جمهوری با برقرار ساختن یک سیستم ارتباطی منظم با عامه و بالخصوص با فرهیختگان جامعه و توجه بهمان دقایق امر برنامه کار خود را تنظیم نمایند و حتی بخشی از وظایف اطلاع رسانی از کمایف کارهای انجام شده را بمنزله دستگاه خودکار Feed back بعهده بگیرند و دولت را دراصلاح سیاست‌ها و دستورالعمل‌ها یاری دهند. ناگفته نماند که چون سلسله امور بهم بازسته است گروههای مشاوره نخست باید با مشورت با یکدیگر کل وظایف محوله را با توجه به ساختار جامعه سازوار و همساز کنند و سپس به تقسیم وظایف بپردازند.

فرهنگ مادی (ماشین‌آلات - تکنولوژی و تجارب تولیدی و ثروت مادی) و فرهنگ معنوی (دست‌آوردهای علمی و هنری و ادبی و فلسفه تعلیم و تربیت) تمیز قابل شوند و اخلاق و علم الاخلاق را هم برخلاف آنچه گفتیم در زمره فرهنگ معنوی بشمار آورند. اما از آنجاکه فرهنگ معنوی و فرهنگ مادی از یکدیگر جدایی‌ناپذیرند درست و عقلانی نیست که قائل بدوگانگی فرهنگ شویم. مثلاً بوضوح معلوم است که علم



تمام دارد پس فرهنگ عبارتست از بلوغ اجتماعی هر مفهوم ساختاری جامعه اعم از آنکه خصوصیات مادی داشته باشد یا معنوی. مخصوصاً باید متوجه باشیم اگر مفاهیم بدرجه لازم از بلوغ اجتماعی نرسیده باشند فرهنگهای منسوب بدانها قبول عامه نخواهد یافت و کارساز نتواند شد. تفاوت مرتبه فرهنگی جوامع را با همین میزان باید می‌سنجید. قوانین و مقررات و سیاست‌ها و برنامه‌های سازگار و متعادل و متوازن در قوام گرفتن مفاهیم اجتماعی یعنی فرهنگ‌ها نقش مهمی را ایفا می‌نمایند. ازین تحلیل متدولوژیک بخوبی روشن می‌شود که فرهنگ با اخلاق ارتباط مستقیمی دارد. ما اگر بتوانیم پایه‌های اخلاق یعنی اساس سازگاریهای ساختاری و سازمانی جامعه را بوجه علمی استوار سازیم فرهنگ تحصیل حاصل خواهد بود. باید دانسته‌های معمول را در باب اخلاق و فرهنگ از ذهن بیرون کرد و بشیوه علمی بحل مسائل اخلاق و فرهنگ پرداخت و اتفاقاً درین دیدگاه تازه از اخلاق و فرهنگ است که مسایل اقتصادی و جوانان نیز مطرح می‌گردد که همکاری گروهها را الزام‌آور می‌سازد.

ارتباط فرهنگ و اخلاق

یکی از گروههای مشورتی گروه فرهنگی است. بنا آنکه فرهنگ مفهومی است که زینت‌بخش هر بحث و کلامی و نقل هر محفل روشنفکری است و روزی نیست که از ذکر اهمیت و مقامش قلم‌ها را شادمانه نسانند و در نطق و خطابه زبان به تمجیدش باز نمایند، با این حال کمتر کسی بساختار این مفهوم معتبر توجه مبذول داشته و به منشاء آن توجه معطوف کرده است. بنده از باب کمک بروشن کردن ساختار این مفهوم اسیل و تسهیل کار این گروه نظرم را درین باب بیان می‌دارم. فرهنگستان ایران فرهنگ را معادل معارف برگزیده و بهمین دلیل نام وزارت معارف و صنایع مستظرفه را بوزارت فرهنگ مبدل کرد و معارف هم جمع معرفت است.

در فرهنگ‌معین کلمه «فرهنگ» بمعنای ادب نفس و تربیت و دانش و علم و معرفت آمده است. این معنی نیز بحل مسأله کمکی نمی‌کند. گویا ما فرهنگ را معادل لفظ فرنگی Culture برگزیده‌ایم که خصوصیات شاملتری بدان مفهوم می‌بخشد. باین شرح فرهنگ یعنی تمام ارزش‌های مادی و معنوی بشری و همه وسایلی که برای خلق و ایجاد آنها بکار رفته و طرق استفاده از آنها ابداع گردیده و از نسلی به نسل بعدی انتقال یافته است. اما چنان معمول شده که بین

و تعلیم و تربیت در حوزه معنویات با تکنولوژی و صنعت و تجارب تولیدی در حوزه مادیات ارتباط ناگسستگی دارند. اما اگر بخواهیم درین خصوص به تقسیم کار در گروههای مشورتی بپردازیم لازمست در مقدمه امر بساختار مقوله فرهنگ آشنا شویم و به بینیم به چه نحو می‌توان این مقوله را در کلیتش در بطن جامعه پرورش داد و بکار انداخت. حال گوئیم هر مفهوم ساختاری معتبری که داری اصالت معرفت‌شناسی Epistemologic باشد و خوب در جامعه جا بیفتد و ریشه بدواند و با سایر مفاهیم معتبر ساختاری ارتباط حاصل کند از بار ارزشی که همان بار فرهنگی است برخوردار می‌گردد این بار فرهنگی است که قبول عامه می‌یابد و مردم را بنا بر استعدادی که دارند متناسب با ساختار فرهنگ مفروض بفعالیت وامی‌دارد و احیاناً بشهرت و ثروت می‌رساند. مثلاً صنعت بعنوان یک مفهوم ساختاری وقتی خوب در بدنه جامعه جایگیر شود و با سایر مفاهیم چون علم و آزادی مرتبط گردد بار ارزشی - فرهنگی پیدا می‌کند و شوق صنعتی در مردم بوجود می‌آورد و صنعت باب روز می‌گردد. ما چنین فرهنگی را فرهنگ صنعتی می‌نامیم و این مطلب درباره مفهوم علم و فرهنگ علمی و هنر و فرهنگ هنری و ورزش و فرهنگ ورزشی و بازرگانی و فرهنگ بازرگانی و غیره مصداق تام و

گروه مشاوران اقتصادی

وظایف خطیر این گروه را باید در قالب همان مدل متدولوژیک جامعه معین کرد. مباد که اقتصاد ما همانند اقتصاد کشورهای کاپیتالیستی بر کل اجتماعی حاکمیت فایده مطلق پیدا کنند و مشکلات خود را باصطلاح اقتصاددانان بحساب نوسانات سرخود و غیرقابل پیش‌بینی مکانیسم بازار بر ملت تحمیل نمایند. اقتصاد در تقویت مبانی حقوق بشر و جامعه مدنی نقش مهمی ایفا می‌کند که نادیده انگاشتن این رابطه سازمانی بین حقوق مذکور و اقتصاد یکی از نقایص عمده اعلامیه حقوق بشر هم بشمار می‌رود. بگذارید چشم‌پوشی ازین نقص و تناقض را با این عبارت بیان کنم: اقتصاد حق دارد موافق با مفاهیم کاپیتالیستی هر طور اقتضا می‌کند به پیش براند و سود بر مبلغ سود بیفزاید و کارگران هم حق دارند بیکار بمانند و مردم از استحقاق به یک زندگی شرافتمندانه محروم!! بنده در مقدمه این مقاله کما بیش به خصوصیات متدولوژیک پیشرفت این مفهوم اقتصاد اشاراتی کرده‌ام که نیاز به تفصیل بیشتری ندارد، ولی توصیه بنده اینست که از تجربه دامنه‌دار و وسیعی که بدست آمده به بررسی علل

بروز بحران در ممالک شرق آسیا بشیوه علمی بپردازیم و از دنباله‌روی از استنتاجات رایج پرهیز کنیم (این نویسنده علل بحران را در شماره ۸۵ / ۸۶ این مجله تا جائیکه در حوصله مجله بود شرح داده‌ام). بر سبیل معترضه به سرمقاله روزنامه ایران نیوز مورخ اول فوریه اشاره می‌کنم «سرمایه‌گذاران خارجی شاید بدلائیل سیاسی و شاید بدلائیل اقتصادی از رشد اقتصادی ببرهای آسیایی به بیم و هراس دچار شده بودند و تصمیم به توقف پیشرفت آنها گرفتند و باین منظور سرمایه‌های خود را ازین ممالک خارج ساختند». اما واقعیت امر کاملاً خلاف این استنباط را نشان می‌دهد. ژاپن و غرب بسرکردگی آمریکا بلافاصله عکس‌العمل نشان دادند و صندوق دست‌آموز خود یعنی صندوق بین‌الملل پول را بسرعت و با گشاده دستی به کمک مالی بکشورهای بحران‌زده گسیل کردند و حتی بانک بین‌المللی هم جهت ایجاد شغل کمک‌های مالی در اختیار آن‌ها و از جمله کشور تایلند گذارد و خود ممالک متروپل چون ژاپن و آمریکا و آلمان که ضررهای هنگفتی برده بودند از کمک‌های مالی دریغ نکردند این قاعده سرمایه‌داری است که بخشی از سرمایه‌ها را بصورت اوراق بهادار و سهام و اوراق قرضه Portfolio صادر می‌کنند و همین نوع سرمایه‌ها است که اسباب دست سفته‌بازان می‌گردد اما سرمایه‌هایی که به مصرف ساختن مؤسسات عظیم صنعتی رسیده و سهم مهمتری از مجموع سرمایه‌های وارده را تشکیل می‌دهد طبعاً قادر به «فرار و خروج» از کشورهای آسیایی نبود و همانها از بحران صدمات زیادی دید. توجه مشاوران اقتصادی رئیس جمهور را باین نکته جلب می‌نمایم که اصولاً تأسیس بورس یا Stockmarket از ابتکارات کاپیتالیسم است و از میدانهای گسترده فعالیت بخش خصوصی است مبالغ اوراقی که در تمام بورس‌های دنیا هر روز

معامله می‌شود سر بمبلغ نجومی ۱۸ هزار میلیارد دلار می‌زند که بالقوه بحران‌زاست. ما هم به تقلید از غرب بورس اوراق بهادار تأسیس کرده‌ایم که خبر چندانی از بخش خصوصی در آن نیست. آنچه عرضه می‌شود، عمدتاً اوراق دولتی است. می‌دانیم غالب گزارش‌های مالی مؤسسات دولتی و وابسته به دولت از دقت اطمینان لازم برخوردار نیست و بهمین دلیل قیمت‌های سهام غالباً معرف واقعی وضع تولید و درآمد مؤسسه مفروض نمی‌باشد. نوسانات غیرعادی که در سال گذشته در بورس تهران بوجود آمد بدلیل همین نقیصه بود. باب تقلید را باید بکلی مسدود ساخت.

در خصوص سازمانهای بین‌المللی باید بسیار هشیار بود سیاست صندوق بین‌المللی پول Supra national است یعنی موافق با مصالح بین‌المللی عمل می‌کند. سازمان تجارت جهانی که پیشقراول آزادسازی اقتصادی است شرط عضویت درین سازمان را به بر چیدن تمام مقررات و حمایت‌های داخلی در قبال ورود سرمایه‌های خارجی موکول کرده است و صندوق بین‌المللی هم نقش سیاسی و اقتصادی را با صحنه‌پردازی و کارگردانی سرمایه‌داری جهانی بازی می‌کند نمی‌گویم باب مراودت را باید بست می‌گویم بدون مطالعه و بدون داشتن مدلی متدولوژیک از ساختار جامعه در باب مراودات تصمیمی نگیرید. دولت از هم اکنون باید مصالح لازم را برای تهیه مدل پیشرفت یا برنامه بعدی تهیه نماید مدلی که از جامعیت و توازن و سازگاری و سازمانی نام و تمامی برخوردار باشد گروه مشاوران را باید دستیار دولت در این طراحی عظیم تلقی کرد.

مسائل اجتماعی و اقتصاد بد

برای امور اجتماعی وظایف معینی نمی‌توان برشمرد زیرا تمام فعالیت از مادی و معنوی وجه اجتماعی دارد با این حال رسم است که برای امور

اجتماعی وظایف خاصی را در نظر می‌گیرند بنده درین محدوده مسایل جامعه مدنی Civic society و جمعیت و محیط زیست را می‌گنجانم. در باب جامعه مدنی که مورد توجه مخصوص رئیس جمهور است به خصوصیات عمده چنین جامعه‌ای اشاره می‌کنم نخست مسأله آزادی است. آزادی که هم وجه ساختاری و هم وجه سازمانی جامعه را داراست، با خصوصیات طبیعی بشر مرتبط است و اساسش بر قوه درک و شعور و تشخیص بشری مبتنی است.

دوم برخورداری از حقوق سیاسی و تعیین نوع حکومت و قوانین و مقررات و ضوابط اخلاق دستوری Normative morality است (ما اگر اخلاق را موافق با شرحی که در سطور پیشین دادیم واجد خصوصیات واقعیست یعنی واجد صفات ساختاری و سازمانی جامعه بدانیم علاوه بر آنکه نیازی بر ضوابط اخلاقی دستوری نداریم اصولاً کل ضوابط حقوق عمومی و خصوصی نیز بعنوان قوای محرکه جامعه مسائلیش حل خواهند شد). بنده بر سبیل معترضه عبارت جاندار و زیبایی را از حقوق‌دان بزرگ فرانسوی رنه داوید RenÁDavid که ما هم از آن باید درس بگیریم می‌آورم به خواندنش می‌ارزد «... چگونه باید عمل شود تا دادگاه‌هایی که توسط دولت تشکیل شده‌اند و بنام دولت بدعاوی رسیدگی می‌کنند باندازه کافی نسبت بقدرت سیاسی استقلال داشته باشند؟ از سوی دیگر چگونه سازمان اداری را وادار کنیم که حاکمیت این دادگاهها را بپذیرد و آرای آنها را اجرا کند؟- اجرای حقوق عمومی مستلزم درجه‌ای عالی از روحیه سیاسی- اجتماعی است این امر قابل تصور نیست مگر هنگامی که افکار عمومی بخواهد که فرمانروایان و مدیران تابع نظم و کنترل باشند. اجرای حقوق عمومی اقتضا می‌کند که مدیران، اداره‌شوندگان را شهروندانی آزاد

جنرال سرویس و کارواش ترسیان

TOROSSIAN GENERAL SERVICE & CARWASH

با کادر مجرب

ارائه دهنده خدمات کامل در زمینه های زیر

- ✓ مکانیکی
- ✓ کمک فترسازی
- ✓ جلوبندی
- ✓ شاسی کشی
- ✓ نقاشی
- ✓ تعویض روغن



آماده عقد قرارداد با شرکتها و سازمانها و سفارتهای

TEL: 2526861

تلفن : ۲۵۲۶۸۶۱

آدرس : تهران مجیدیه جنوبی - ۱۶ متری دوم - روبروی کوچه دهم پلاک ۸۵

اتومبیلهای ژاپنی
کره‌ای
آلمانی
آریکایی

کارواش
مشکمشویی داخل اتومبیل

بدانند نه رعایایی برده مانند. از سوی دیگر تجربه این نکته را ثابت می‌کند که اگر بخواهند دستگاه اداری را به اخذ تصمیمی مبتنی بر عدالت ابتدایی یا صرفنظر کردن از طرحی که غیرمعقول می‌نماید وادار کنند ممکن است بزرگترین دشواریها پدید آید...» (از کتاب نظامهای حقوق معاصر- مرکز نشر دانشگاهی تهران).

بنده تصور می‌کنم در تحقق جامعه مدنی، این بیان رک و صریح و منطقی مقام مهمی را احراز می‌کند.

در هر حال باید توجه داشت که اقتصاد بد و نادرست و ناسازگار و لجام گسیخته بسیاری از حقوق بشری را پایمال می‌کند.

اما راجع بوضع قوانین و قانونمندی راهی را که رئیس جمهور در پیش دارد ناهموار است قانونمندی را باید بر پایه قوانینی که حقوق اساسی جامعه و مردم را به شیوه سازگار و متعارفی منعکس می‌نماید از قوه به فعل درآورد و این اصلی است خدشه‌ناپذیر.

باید ضابطه‌های بوجود آورد تا در تدوین قوانین و مقررات از دگرترین‌های اصیل حقوقی استفاده بعمل آید و سپس مراتب به تفصیل با افکار عمومی در میان گذارده شود و آنچه از نظرات مردم و خصوصاً نخبگان جامعه که موافق با مصلحت عام است در طرح قانونی جای داده شود. صراحت یا باصطلاح روز «شفافیت» در تمام رفتار و کردار حاکمیت باید مراعات گردد تا مردم تکلیف خود را بدانند. اعلام اینکه فلان قانون (البته بدون مشورت با مردم و اطلاع از افکار عمومی) با صرف وقت کارشناسی تدوین و بتصویب رسیده رفع تکلیف از قانونگذار نمی‌نماید و نمایندگان مجلس را از ذمه تعهدی که در قبال مردم و خصوصاً موکلین خود دارند بری نمی‌کند. حق این بود که دولت هم در تدوین طرح بودجه مسایل و مشکلات و نارسائی‌ها و راه حل‌های احتمالی را از طریق مطبوعات در میان می‌گذاشت و بودجه‌ای که به مجلس می‌فرستاد بودجه‌ای متضمن نظرات و پیشنهادهای منطقی مردم بود بهر حال اینها نکاتی است که باید مورد توجه گروه مشاوران اجتماعی قرار گیرد و دولت را یاری دهد. یکی از بزرگترین ضربه‌های مصیبت‌باری که بر جامعه ما وارد شده و باید سالیان دراز تاوان آنرا بدهد همان افزایش بسیار سریع و بی‌رویه و سیاست تشویق‌آمیز جمعیت در دهساله نخست انقلاب بود. ارقام و آمار هم انتشار یافته که بر مبنای آن

میزان رشد از نزدیک ۴٪ به ۱/۵٪ تقلیل یافته پذیرفتنی و قابل اعتماد نیست. این افزوده شدن غیرطبیعی بر جمعیت، بر اقتصاد و محیط زیست و نظام تعلیم و تربیت و ایجاد شغل و دیگر بخش‌های جامعه لطعات جدی وارد کرده است. تصور می‌کنم برای کنترل جمعیت نخستین گام مبارزه با فقر است و این مبارزه‌ایست که در قالب کل ساختار متوازن جامعه امکان‌پذیر است و نه با تخصیص بودجه‌ای بنام مبارزه با فقر- همگام با سیاست فقرزدایی باید با نظر و مراقبت متخصصان طبی سیاست و برنامه تنظیم خانواده را احیا کرد و در مقیاس مملکتی براه انداخت و تبلیغات مؤثر و گسترده‌ای را مکمل آن ساخت- تشویق‌ها و تنبیهات مالی نیز درین باب بی‌اثر نخواهد بود. بنده متخصص این امر نیستم اما نظرم اینست که سیاست کنترل جمعیت را باید در صدر سیاست‌ها و برنامه‌های دولت قرار داد.

مسائل زیست محیطی

باید مسأله محیط زیست را از مسایل سیاسی جدا کرد و اوقات را صرف تبلیغات سیاسی درین باب نکرد. آیا اگر ناوهای جنگی آمریکا و انگلیس از خلیج فارس بیرون بروند، آسمان تهران صاف و عاری از آلودگی می‌گردد؟ دیگر آنکه سوغات ما از سفرهائی که برای شرکت در کنفرانس‌های محیط زیست نظیر شرکت در کنفرانس کیوتو ژاپن می‌آوریم باید صرفاً آموختن تجربه کشورهای پیشرفته در حفظ محیط زیست در شهرها باشد ما را فعلاً به مسایل لایه آزن کاری نیست جز آنکه توصیه‌های بین‌المللی را در ساختن یخچال‌ها و سردخانه‌ها بکار گیریم. می‌دانیم و غربیها خود معترفند که ممالک صنعتی بیش از ممالک عقب‌مانده در آلودگی اتمسفر مقصرند. تکرار این گونه مطالب پس از مراجعت از سفر دردی را دوا نمی‌کند و مرتبه‌ای هم بر مقام ما نمی‌افزاید آنچه موجب یأس شد این بود که بر مردم معلوم نگردید نتیجه ملموس از شرکت در کنفرانس کیوتو چه بوده است؟

ما باید عملاً به‌بنیم در اروپا و آمریکا چه کرده‌اند که شهرهای بزرگی چون لندن و پاریس و نیویورک بطور نسبی از آلودگی جو مصون مانده‌اند در حالیکه مثلاً در لندن تمام تاکسی‌ها و اتوبوس‌ها با موتور دیزل کار می‌کنند شما در گذرتان کمترین آثار دودی از آنها بمشامتان نمی‌رسد؟ مسؤولان امر باید بدانند که سخنرانی و اعلام درجه غلظت آلودگی جوی دردی را دوا نمی‌کند. باید به راه‌های

تخصصی و عملی توسل جست. حفظ محیط زیست با موقعیت و ساختار طبیعی شهرها و اصول شهرسازی و جمعیت نیز مرتبط است و یک همکاری همه جانبه‌ای را ایجاب می‌نماید.

و اما در مورد مسائل جوانان...

مسایل جوانان باید در چهار بخش مرتبط با یکدیگر مورد بررسی قرار گیرد. تحصیل- گذران مطبوع اوقات فراغت فعالیت‌های سیاسی و آینده شغلی یا استفاده عملی از خواننده‌ها و آموخته‌ها- نظام تحصیلی را باید از بُن اصلاح کرد درین زمینه همکاری با یونسکو بسیار نتیجه بخش خواهد بود. بقول استوار رئیس جمهور، شاگرد را نباید بزور دین‌دار کرد و بزور درس‌خوان- شاگرد در هر مرتبه تحصیلی که باشد باید احساس شخصیت و آزادی و غرور کند و افکارش مجال جُولان داشته باشد و چنان بار بیاید که خویشتن خویش را دریابد- ما امروز کودک هفت ساله را روانه مدرسه می‌کنیم بطور متوسط در بیست، بیست و پنج سالگی یا بیشتر او از تحصیل فراغت می‌یابد. طی این مدت علم و زندگی تحولات زیادی یافته است. آیا نظام تحصیلی ما ازین دگرگونی‌ها تأثر می‌پذیرد؟ آیا برنامه‌های ما آن چنانست تا شاگرد را پس از فراغت از تحصیل بتداوم آموختن راغب نماید و شعار «زگهوار تا گور دانش بجوی» را که از مصادیق عینی روزگار ماست تحقق بخشد و امکان دهد ما هم صاحب ابتکار شویم و مبتلی بر گنجینه عظیم علم و تکنولوژی بیفزاییم؟ متأسفانه ما هیچگاه با کنجکاری و پشتکار باین موضوع مهم نپرداخته‌ایم که چرا بعضی ایرانیهایی که در مدارس و دانشگاه‌های معتبر خارجی و از جمله آمریکا درس خوانده‌اند از نخبگان و متخصصان نامدار عالم علم و تکنولوژی و تحقیق از آب درآمدند؟ کاری که کرده‌ایم به چاپ خبر موفقیت آنان اکتفا کرده‌ایم و تبلیغی هم مزیدش نموده‌ایم همین و بس!

نظام تعلیم و تربیت ما برغم کثرت عده مدارس و دانشگاهها در ساختار جامعه ما جا نیفتاده است و ما از فرهنگ تعلیم و تربیت سودی نبرده‌ایم.

هم در نظام آموزش ابتدائی و متوسطه، و هم در نظام آموزش عالی ما در دهه‌های اخیر همواره سیاست آزمون و خطا را دنبال کرده‌ایم.

مشکلات حاکم بر سطوح مختلف نظام آموزشی، و بازده منفی این نظام آنقدر عیان است که حاجت به بیان ندارد.